

سرمقاله

✱ هرچند دولت آمریکا سعی داشت حمله موشکی ایران به پایگاه «العدید» در قطر را تا جای ممکن بی اهمیت نشان دهد اما درز اطلاعات جدید نشان می دهد، واقعیت با آنچه ترامپ و دولتش می گویند، تفاوتی اساسی دارد و این حمله از ابعاد مختلف دارای اهمیت است. نخست آن که این دومین بار است که جمهوری اسلامی ایران به شکل علنی و با پذیرش کامل مسئولیت، یک پایگاه نظامی وابسته به ارتش ایالات متحده را هدف قرار می دهد؛ و این بار نه در خاک عراق، بلکه در قلب قرارگاه عملیاتی سنتکام در منطقه، پایگاه العدید، نه یک پایگاه فرعی، که به نوعی ستاد مرکزی فرماندهی عملیات های ارتش آمریکا در غرب آسیاست؛ پایگاهی که هم اکنون بزرگ ترین حجم پرسنل، تجهیزات لجستیک، هواگردهای شناسایی و ارتباطات ماهواره ای امن را در خود جای داده است. حمله به چنین نقطه ای، در واقع حمله به مغز متفکر و مرکز اعصاب سامانه عملیاتی ایالات متحده در منطقه محسوب می شود. در لایه تاکتیکی، انتخاب العدید به عنوان هدف، خود حامل پیامی عمیق بود. برخی تحلیلگران کوشیدند با طرح این پرسش که چرا به سایر پایگاه های آمریکایی در امارات یا بحرین حمله نشد، اقدام ایران را تخفیف دهند. اما واقعیت این است که حمله به پایگاه مادر، به مراتب سنگین تر و پیامد سازتر از هدف قرار دادن پایگاه های فرعی است. در لایه راهبردی، این حمله یک قاعده جدید را در توازن قوا تعریف کرد؛ دیگر نه فاصله جغرافیایی، نه قدرت رسانه ای و نه بازدارندگی کلاسیک ایالات متحده، مانع اقدام مستقیم ایران علیه منافع نظامی آمریکا در منطقه نخواهد بود. و از این مهم تر، حمله صورت گرفته نه نمادین، بلکه دقیق، مؤثر و در نقاط حساسی از شبکه فرماندهی، ارتباطی و عملیاتی این پایگاه انجام شد. تصاویر ماهواره ای منتشر شده - ولو با واسطه رسانه های بدنام ضد ایرانی - گواهی می دهند که ضربه به زیرساخت های حیاتی و به ویژه شبکه های امن تبادل دیتا، هدف این عملیات بوده است. اما در لایه روانی و رسانه ای، ماجرا عمق بیشتری می یابد. ترامپ که در جنگ مدعی لزوم تسلیم بی قید و شرط ایران شده بود، در برابر این حمله - درست مانند ماجرای عین الاسد - سعی کرد با شامورتی بازی آن را بی اهمیت و حق نمایشی جلوه دهد اما بعد معلوم شد آنچه او گفته لافی بیش نبوده است. شکست پرستی یک رئیس جمهور مستقر، آن هم از سوی کشوری که واشنگتن آن را تحت شدیدترین تحریم های ممکن قرار داده، اتفاق کوچکی نیست. در نهایت، پیام مهم این اقدام برای بازیگران منطقه ای که میزبان پایگاه های آمریکایی هستند، غیر قابل اغماض است. این حمله نشان داد که جمهوری اسلامی ایران در صورت تهدید مستقیم، آمادگی دارد از هر نقطه ای که محل صدور تهدید علیه امنیتش باشد، واکنش سخت و دقیق نشان دهد. حمله به العدید، یک اقدام نظامی صرف نبود؛ اعلان رسمی ورود به مرحله ای از بازدارندگی فعال بود که هم در زمین، هم در سیاست، و هم در جنگ روایت ها، پیام خود را روشن، بلند و بی ابهام مخابره کرد: اگر امنیت ایران تهدید شود، پاسخ قاطع و در قلب فرماندهی دشمن خواهد بود. ✱

شلیک به چشم آمریکا

🗣️ پیام صوتی خانم زهر احبیبی خطاب به نیروهای مسلح ایران:

با توکل بر نام اعظم الله. هیچکس با هیچ توانی در هیچ کجای دنیا نمی تواند برای ایران و ایرانی تصمیم بگیرد. ایران با تکیه بر الله، به فرماندهی سید علی خامنه ای و نیروهای پرتوان و شرافتمند مسلح جمهوری اسلامی ایران علی الخصوص نیروهای شجاع هوافضای سپاه پاسداران و تمامی سربازان گمنام ایران زمین، پیروز هر نبردی با هر شرایطی خواهد بود.

این صدراعظم ایران است



فارسی | KHAMENEI.IR
@Khamenei_fa

سپاه که پیشرفتهای موشکی خودش را نشان میدهد، نه فقط مایه افتخار و مباهات ایرانی ها است، بلکه وقتی این موشکهای سپاه با این دقت و با این زیبایی آزمایش میشود، خیلی از ملت های آزادی خواه دُورتر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم صهیونیستی خون است، خوشحال میشوند.



اقدام همدانه یک مرکز

روانشناختی به منظور کاهش

اضطراب هموطنان

جلوه های همدلی و

همبستگی مردم کشورمان

در برابر تجاوز رژیم صهیونی

به خاک ایران عزیز

این شماره روزنامه تقدیم میشود به

شهید امدادگر
یاسر زیوری



ایرانی کم نمیاره

سلامتی زندانیای لوتی

توی صفحات خبری دور می زدم که خبری از زندان اوین نظرم را جلب کرد. باتیتر بزرگ نوشته بودند: «همان هایی که یک روز درمان شان کرده بودم، نجاتم دادند.»

روز یازدهم جنگ، خانم دکتر در بهداری زندان مشغول ویزیت بیمارارن بود که چند انفجار در زندان اوین رخ داد. خانم دکتر توی صفحه ای مجازی اش نوشته بود: «(درد شدیدی داشتم. از ناحیه پا آسیب جدی دیدم. می ترسیدم. چند زندانی آمدند سمتم. من را گوشه ای دیوار کشاندند. نیمه جان بودم. دهانم مزه ی خون می داد و دست و پایم بی حس بود. آب و پتو برایم آوردند. خون صورتم را پاک کردند و پایم را با آتل بستند. شیون می کردند. من را که درون برانکار گذاشتند. گفتم: «منوتنها نذارید»

صدایی با مهربانی نزدیکم شد: «(معلومه که تنهات نمی داریم، تو آجی ما هستی.» می توانستند برونند، اما نرفتند؛ همان هایی که یک روز درمانشان کردم ماندند و جانم را نجات دادند.

فکر کردم که اگر غیرت و جوانمردی ایرانی تصویر بود، می شد همین تصویر زندانیانی که راه خروج و فرار باز بود، اما ماندند و به هم وطن شان کمک کردند.

✍️ مریم رضازاده

یک ایران، همدل است

